دیوان محاسبات هم برای دزدان اموال مردم خط و نشان کشید

پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار به دادسرا می‌رود

دیوان محاسبات: پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار و بانک‌های مرتبط در دستور کار قرار گرفته و این نهاد نظارتی وفق قانون نسبت به استیفای حقوق بیت‌المال و اعمال قانون در خصوص متخلفان اقدام خواهد کرد

گزارش یک

بهناز قاسمی

شبکه‌های تراستی که با هدف آنچه دور زدن تحریم‌ها و حفظ صادرات نفتی نامیده می‌شود، شکل گرفتند، امروز به یکی از کانون‌های ابهام، رانت و اختلال در بازگشت ارز تبدیل شده‌اند و پرونده تراستی‌ها امروز صرفاً پرونده چند کارگزار یا چند تخلف ارزی نیست و به قرینه‌ای برای سنجش کیفیت حکمرانی اقتصادی کشورمان تبدیل شده‌اند و اگر قرار است صادرات در شرایط تحریم حفظ شود، باید همزمان با استفاده از ابزارهای غیرمستقیم، سازوکارهای نظارتی سخت‌گیرانه نیز تقویت شود. در غیر این صورت، هزینه دور زدن تحریم‌ها به تدریج از سطح تجارت خارجی فراتر می‌رود و مستقیماً به سفره مردم، ثبات بازار ارز و اعتماد عمومی سرایت می‌کند. از این منظر، ساماندهی تراستی‌ها و بازگرداندن ارزهای معوق ضرورتی فوری برای ترمیم نظم ارزی کشور است. بعد از اظهارات سخنگوی قوه قضائیه در خصوص تراستی‌ها در هفته گذشته، دیوان محاسبات کشور از ورود به نقل‌وانتقال درآمدهای نفتی از طریق شبکه تراستی خبر داد و اعلام کرد: پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار به دادسرا می‌رود. همچنین در این روند، عملکرد وزارت نفت و بانک مرکزی نیز در پرونده تراستی‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. این مسئله نیز مورد توجه است که پرونده بررسی ابعاد مرتبط با تعارض منافع، تخفیفات غیرمتعارف و مکرر، عدم وصول به‌موقع درآمدها، عدم رعایت موارد قانونی لازم در قراردادهای منعقده با تراستی‌ها و موارد قصور، غفلت و تسامح مسئولان ذی‌ربط تکمیل شده و عملکرد وزارت نفت، شرکت‌های تابعه و بانک مرکزی، صرف‌نظر از سازوکار مورد استفاده به دادسرای دیوان ارسال خواهد شد.

هیچ اقتصادی به میل خود واسطه‌های پنهان و شبکه‌های موازی برای وصول درآمدهای ارزی خود نمی‌سازد. اقتصاد کشورمان نیز از این قاعده مستثنا نیست. «تراستی‌های نفتی» که در دوران تحریم برای فروش نفت و انتقال درآمدهای ارزی به عنوان واسطه‌های مورد اعتماد وارد میدان شدند، حالا با اظهارات رئیس سازمان بازرسی کل کشور با پرسش‌های جدی درباره سرنوشت بخشی از منابع ارزی کشور روبه‌رو شده‌اند. تراستی‌های نفتی، به افراد یا شرکت‌های واسطه و مورد اعتمادی گفته می‌شود که با آغاز تحریم‌ها، مسئولیت فروش نفت و انتقال درآمدهای حاصل از آن را برعهده دارند. محدودیت‌های بانکی و دشواری انتقال مستقیم درآمدهای نفتی باعث شد استفاده از این واسطه‌ها برای جابه‌جایی منابع ارزی در دستور کار قرار گیرد. با این حال، همین سازوکار در ادامه به بستری برای بروز تخلفات و فساد اقتصادی تبدیل شد.

■ از وزارت نفت تا بانک مرکزی

در سال‌های نخست تحریم، مدیریت این شبکه‌های واسطه‌ای عمدتاً در اختیار خود وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن، از جمله شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) بود، اما این ساختار به مرور با نقدها و چالش‌هایی روبه‌رو شد و ضرورت تفکیک مسئولیت فروش نفت از مدیریت منابع ارزی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت.

در ادامه و با تغییر رویکرد مدیریت ارزی کشور، بخش مهمی از فرایند وصول و مدیریت ارز حاصل از صادرات نفت به شبکه بانکی و بانک مرکزی منتقل شد. بر این اساس، وزارت نفت مسئولیت فروش نفت، بازاریابی و مذاکره با خریداران را برعهده دارد و مدیریت حساب‌های مقصد، نحوه وصول ارز و گردش منابع ارزی در چارچوب سیاست‌های بانک مرکزی انجام می‌شود.

در عین حال، انتخاب و فعالیت این کارگزاران مالی خارج از سازوکارهای حاکمیتی نیست. با توجه به ماهیت تحریم‌ها، حساسیت مبادلات نفتی و مخاطرات امنیتی این حوزه، تراستی‌ها معمولاً در چارچوب ضوابط تعیین شده و با بررسی نهادهای ذی‌ربط فعالیت می‌کنند. از همین‌رو، نباید تراستی‌ها را با واسطه‌های غیررسمی یا دلالان فاقد اعتبار یکسان دانست، زیرا فلسفه شکل‌گیری آنها ایجاد یک مسیر قابل اتکا برای وصول منابع ارزی کشور در شرایط تحریم است.

■ ماجرای ۱/۶ میلیارد دلار منابع بازنگشته

ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، پنجم مردادماه با اشاره به نقش این کارگزاران گفت: صادرکنندگان، مالک ارز حاصل از صادرات خود هستند، اما موظفند آن را در چرخه اقتصادی کشور عرضه کنند. به گفته وی، برخی از این کارگزاران که مورد اعتماد دستگاه‌های امنیتی، بانک‌ها و شرکت‌ها بودند، در امانت خیانت کرده‌اند. در مجموع، از حدود ۱۱ میلیارد دلاری که در اختیار این تراستی‌ها قرار گرفته، حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار توسط برخی افراد مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به کشور بازگردانده نشده است. ابعاد این پرونده و نحوه نظارت بر عملکرد تراستی‌ها، پرسش‌های مهمی را درباره سازوکارهای نظارتی و مسئولیت افرادی که به منابع ارزی کشور دسترسی داشته‌اند، مطرح می‌کند. اکنون پرسش اساسی این است که این افراد چه کسانی هستند و چرا با وجود حجم قابل‌توجه منابعی که در اختیار آنها قرار گرفته، هنوز پاسخ روشنی درباره سرنوشت این مبالغ و نحوه بازگرداندن آنها به چرخه اقتصادی کشور ارائه نشده است؟

■ معمای ارزهای بازنگشته و اعداد پرابهام

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در پرونده تراستی‌ها، سرنوشت منابع ارزی است. آنچه در افکار عمومی به عنوان «بازنگشتن ارز» مطرح می‌شود، الزاماً به معنای خروج فیزیکی ارز از کشور نیست، بلکه در بسیاری از موارد، منابع حاصل از فروش کالا یا نفت، وارد چرخه رسمی بانک مرکزی نمی‌شود و در شبکه‌ای غیرشفاف از حساب‌ها، صرافی‌ها و تسویه‌های غیررسمی می‌چرخد.

براساس اظهارات رسمی در روزهای اخیر، رقم‌هایی در محدوده ۱۱ تا ۱۲ میلیارد دلار به عنوان منابع در اختیار کارگزاران مالی مطرح شده که بخشی از آن در روند طبیعی فعالیت بوده و بخشی نیز مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. همچنین اعلام شده است با ورود دستگاه قضایی، حدود ۶/۵ میلیارد دلار از سرمایه‌های ملی به کشور بازگشته و برای شماری از افراد مرتبط، اعلان قرمز صادر شده است. در کنار این ارقام، عددی نزدیک به ۵ میلیارد دلار نیز به‌عنوان تعهدات ارزی انجام نشده مطرح شده که نشان می‌دهد مسئله از یک پرونده محدود فراتر رفته و به یک گره ساختاری در نظام بازگشت ارز بدل شده است.

این ارقام، تنها یک نشانه‌اند؛ نشانه‌ای از اینکه وقتی نظارت پسینی جای نظارت پیش‌دستانه را می‌گیرد، بازیگران می‌توانند از فاصله میان «اختیار» و «پاسخگویی» بهره‌برداری کنند. در چنین فضایی، بخشی از منابع ارزی ممکن است برای خرید دارایی در خارج، تسویه بدهی‌های غیررسمی یا تأمین مالی واردات غیرشفاف به کار رود. نتیجه نهایی، اما واحد است؛ کاهش عرضه ارز در سامانه‌های رسمی، افزایش تقاضا در بازار آزاد و فشار مضاعف بر نرخ ارز.

در این میان، یک کارشناس بانکی که نخواست نامش منتشر شود به مهر می‌گوید: «مسئله اصلی تراستی‌ها خود واسطه‌گری نیست، بلکه نبود زنجیره کامل کنترل است. اگر از لحظه فروش تا لحظه تسویه، مسیر پول به‌صورت شفاف و قابل ردگیری نباشد، هر واسطه‌ای می‌تواند به کانون ریسک تبدیل شود.» به گفته او، اقتصاد تحریم‌زده ناگزیر از استفاده از مسیرهای غیرمستقیم است، اما این اجبار نباید به معنای رهاسازی نظارت باشد.

■ جنگ تراستی‌ها به داخل کشور رسید

با تشکیل ۵۹ پرونده قضایی برای ۱۴۱ تراستی بدهکار، پرده تازه‌ای از اختلاف میان این واسطه‌های نفتی کنار رفته است. تراستی‌ها حالا در شبه‌رسانه‌ها به افشای عملکرد یکدیگر روی آورده‌اند و هر کدام تلاش می‌کنند با رو کردن پرونده رقیب، خود را از دایره تخلفات خارج کنند. به گزارش فارس، تراستی‌های نفتی در روزهای اخیر به‌صورت جداگانه در شبه‌رسانه‌های داخلی فعال شده‌اند. اقدامات رسانه‌ای تراستی‌ها پس از آن آغاز شد که رئیس سازمان بازرسی، ذبیح‌الله خداییان از عزم دستگاه قضا برای برخورد با تراستی‌های متخلف خبر داد و گفت: «۵۹ پرونده قضایی در ارتباط با تراستی‌ها تشکیل شده است». مدل فعالیت تراستی‌ها در فضای رسانه به این شکل است که هر تراستی، ابتدا نام خود را از فهرست متخلفان حذف کرده و اطلاعات مربوط به دیگر تراستی‌ها را در چارچوب تخلف اقتصادی در یک کانال رسانه‌ای منتشر می‌کند. در سمت دیگر یک تراستی دیگر این‌بار همین مسیر را می‌رود.

■ پرونده تراستی‌های متخلف به دادسرا می‌رود

براساس اعلام دیوان محاسبات کشور، علاوه بر تراستی‌های متخلف، عملکرد وزارت نفت و بانک مرکزی نیز در پرونده تراستی‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. به گزارش ایرنا، دیوان محاسبات کشور اعلام کرد: با وجود ظرفیت استفاده از سازوکارهای بانکی شفاف و کم‌هزینه، اتکای فاقد توجیه بخش قابل توجهی از فرایند وصول و انتقال وجوه حاصل از فروش نفت و میعانات گازی به شبکه تراستی، موجب ایجاد ریسک مستمر انسداد وجوه، تحمیل کارمزدهای سنگین، رسوب چندماهه منابع و انتفاع واسطه‌ها، کاهش شفافیت و در نهایت تضییع حقوق بیت‌المال شده است.

طبق اعلام دیوان محاسبات، پرونده بررسی ابعاد مرتبط با تعارض منافع، تخفیفات غیرمتعارف و مکرر، عدم وصول به‌موقع درآمدها، عدم رعایت موارد قانونی لازم در قراردادهای منعقده با تراستی‌ها و موارد قصور، غفلت و تسامح مسئولان ذی‌ربط تکمیل شده و عملکرد وزارت نفت، شرکت‌های تابعه و بانک مرکزی، صرف‌نظر از سازوکار مورد استفاده به دادسرای دیوان ارسال خواهد شد. همچنین پرونده ۱۴۱ تراستی بدهکار و بانک‌های مرتبط نیز در دستور کار قرار گرفته و این نهاد نظارتی وفق قانون، نسبت به استیفای حقوق بیت‌المال و اعمال قانون در خصوص متخلفان اقدام خواهد کرد.

کلاه گشاد سکوهای برخط بر سر مردم بارمز «خرید اعتباری»

سکوهای خرید اعتباری با وعده دسترسی آسان به کالا و وام، هزینه‌های سود، اشتراک و کارمزد را بر دوش مصرف‌کنندگان می‌گذارند

گزارش ۲

زینب زرین

قسط، دیگر راهی برای خرید ارزان و آسان نیست و شوربختانه به راهی برای گران‌تر خریدن تبدیل شده است و در شرایطی که فشار معیشتی و کاهش قدرت خرید، خانوارها را در تنگنا قرار داده، سکوهای برخط با تبلیغات رنگارنگ، بازار خرید اعتباری و فروش اقساطی آنلاین را داغ کرده‌اند و با عرضه اعتبارهای چندصد میلیون تومانی، خرید کالا را آسان جلوه می‌دهند، اما بررسی سازوکار این خدمات و نمونه‌ای مانند طرح اعتباری دیجی‌کالا، از هزینه‌هایی حکایت دارد که پشت ویترین خرید آسان پنهان می‌ماند، به طوری که سود، اشتراک، کارمزد و تعهدات در یک طرح ۲۰۰ میلیون تومانی، هزینه نهایی اعتبار را به ۲۵۴ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومان می‌رساند.

■■■

رشد خرید اعتباری را نمی‌توان فقط حاصل تغییر رفتار مصرف‌کننده دانست، چراکه کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت کالاها، بسیاری از خانوارها را به سمت خرید اقساطی سوق داده است که در ظاهر فشار پرداخت را کم می‌کند و امکان خرید کالاهایی را فراهم می‌آورد و سکوهای برخط با استفاده از همین نیاز، خدمات اعتباری خود را گسترش داده‌اند و با عباراتی مانند «اعتبار فوری»، «خرید آسان» و «پرداخت اقساطی» تلاش می‌کنند تصمیم خرید را برای مشتری ساده‌تر کنند. اصل ارائه اعتبار، به خودی خود مسئله‌ای منفی نیست، اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که مشتری به جای دیدن «قیمت واقعی اعتبار»، تنها مبلغ وام یا رقم قسط را می‌بیند و وقتی گفته می‌شود متقاضی می‌تواند ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار دریافت کند، ذهن مشتری روی همین عدد متمرکز می‌شود، در حالی که نکته اصلی باید این باشد که چه مقدار از این اعتبار واقعاً در اختیار او قرار می‌گیرد و در پایان چه مبلغی از جیب او خارج خواهد شد. طرح ادعایی دیجی‌کالا یکی از همین طرح‌های اعتباری است که وام بانکی ۲۰۰ میلیون تومانی را با بازپرداخت ۱۲ ماهه و سود سالانه ۲۳ درصد عرضه می‌کند و مبلغ هر قسط ۱۸ میلیون و ۸۱۵ هزار و ۳۰۰ تومان اعلام شده و مجموع اقساط به ۲۲۵ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومان می‌رسد، تا اینجا مشتری با هزینه مالی ۲۵ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومانی روبه‌رو است، اما ماجرا در همین نقطه تمام نمی‌شود.

برای دریافت این اعتبار، خرید اشتراک تیتانیوم به مبلغ ۲۹ میلیون تومان نیز در نظر گرفته شده است. بنابراین هزینه‌ای که باید کنار سود تسهیلات محاسبه شود، به ۵۴ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومان می‌رسد و مجموع پرداخت مشتری در پایان دوره به ۲۵۴ میلیون و ۷۸۳هزار و ۲۰۰ تومان افزایش پیدا می‌کند. به زبان ساده، کسی که با وعده اعتبار ۲۰۰ میلیون تومانی وارد این فرایند می‌شود، در پایان ۵۴ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومان بیشتر از اصل وام پرداخت خواهد کرد.

اینجا تفاوت میان «نرخ سود اعلامی» و «هزینه واقعی اعتبار» خودنمایی می‌کند و وقتی نرخ ۲۳ درصد در تبلیغ برجسته می‌شود، مشتری ممکن است فکر کند هزینه دریافت اعتبار همین میزان است، اما هزینه اشتراک ۲۹ میلیون تومانی، اگر شرط دریافت اعتبار باشد، بخشی از هزینه دسترسی به این پول محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را از محاسبه قیمت واقعی اعتبار کنار گذاشت.

■ کوچک‌نمایی اعداد بزرگ!

یکی از مهم‌ترین روش‌های فروش در بازار خرید اقساطی، تبدیل قیمت بزرگ به ارقام ماهانه است و مشتری به جای اینکه با قیمت نهایی روبه‌رو شود، با جمله‌ای مانند «ماهی فلان مبلغ» مواجه می‌شود و این تغییر ساده در نحوه ارائه قیمت، تصمیم خرید را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رقم قسط ممکن است برای مشتری قابل تحمل به نظر برسد، اما مجموع پرداخت در پایان دوره فاصله زیادی با قیمت نقدی کالا خواهد داشت.

این مسئله وقتی بحرانی‌تر می‌شود که خرید اعتباری با هزینه‌های متعدد همراه باشد و مشتری باید قیمت نقدی کالا، مجموع اقساط، سود، کارمزد، هزینه اشتراک و سایر پرداخت‌های اجباری را کنار هم بگذارد و اگر یکی از این ارقام از محاسبه حذف شود، قیمت واقعی خرید مشخص نخواهد شد. بازار اعتبار آنلاین دقیقاً از همین نقطه رشد کرده است و مشتریانی که توان پرداخت نقدی ندارند، به اعتبار نیاز پیدا می‌کنند و فروشگاه‌ها نیز از طریق این اعتبارها به مشتریانی دسترسی پیدا می‌کنند که در حالت خرید نقدی، شاید امکان خرید نداشته باشند و پلتفرم اعتباری نیز از ایجاد این تراکنش درآمد کسب می‌کند. بنابراین سه ضلع این بازار؛ فروشنده، ارائه‌دهنده اعتبار و مشتری، منافع متفاوتی دارند و مصرف‌کننده باید بداند در نهایت هزینه این زنجیره را چه کسی پرداخت می‌کند.

در بسیاری از این طرح‌ها، اعتبار به شکل پول نقد آزاد در اختیار مشتری قرار نمی‌گیرد و فقط برای خرید از فروشگاه‌های مشخص یا شبکه طرف قرارداد قابل استفاده است و این تفاوت مهمی میان وام نقدی و اعتبار خرید ایجاد می‌کند و فردی که وام نقدی دریافت می‌کند، درباره محل مصرف پول اختیار بیشتری دارد، اما در خرید اعتباری، اعتبار از ابتدا به یک چرخه مشخص خرید متصل شده است.

این سازوکار برای پلتفرم و فروشگاه جذاب است، زیرا اعتبار ایجاد شده مستقیماً به فروش تبدیل می‌شود و مشتری نیز کالای موردنظر خود را زودتر دریافت می‌کند، اما در مقابل بخشی از درآمد ماه‌های آینده خود را متعهد می‌شود و اگر هزینه اعتبار بالا باشد، ممکن است کالایی که با هدف رفع یک نیاز خریداری شده، فشار مالی بیشتری بر خانوار وارد کند. در نمونه مورد بررسی، ضمانت دریافت اعتبار با سفته انجام می‌شود و سفته به خودی خود به معنای آن نیست که مشتری الزاماً بیش از مبلغ قرارداد بدهکار است، اما وجود چنین ضمانتی، موضوعی نیست که متقاضی بتواند بدون مطالعه قرارداد از کنار آن عبور کند و شرایط استفاده از سفته، نحوه وصول، وضعیت تسویه زودهنگام و پیامد تأخیر در پرداخت باید پیش از پذیرش اعتبار برای مشتری روشن باشد.

مسئله دیگر به شرایط اقتصادی خانوارها بازمی‌گردد و خانواده‌ای که به دلیل کاهش قدرت خرید به سراغ اعتبار می‌رود، معمولاً از ابتدا با محدودیت درآمد مواجه است. بنابراین قسط ماهانه برای چنین خانواری صرفاً یک پرداخت معمولی نیست و بخشی از درآمد آینده است که پیشاپیش مصرف شده است. بنابراین اگر مبلغ اقساط با درآمد خانوار تناسب نداشته باشد، یک خرید ساده ممکن است به زنجیره‌ای از بدهی‌ها منجر شود. از همین‌رو، تبلیغ اعتبار بدون نمایش هزینه نهایی، مصرف‌کننده را به سمت تصمیمی سوق می‌دهد که ممکن است تمام ابعاد آن را ندیده باشد. بنابراین شفافیت در این بازار باید از همان نخستین صفحه پیشنهاد آغاز شود و مشتری باید بتواند بدون ورود به چندین مرحله، مبلغ اعتبار، مبلغ واقعی دریافتی، مجموع اقساط، هزینه اشتراک، کارمزدها و کل مبلغ بازپرداخت را در یک قاب ببیند.

■ مردم باید قیمت واقعی اعتبار را ببینند

مشکل اصلی خرید اعتباری، وجود سود یا دریافت کارمزد نیست. ارائه‌دهنده اعتبار برای تأمین مالی، ایجاد زیرساخت، پذیرش ریسک و ارائه خدمات هزینه می‌کند و دریافت هزینه مالی در یک قرارداد اعتباری امر عجیبی نیست و مسئله، نحوه نمایش این هزینه‌هاست و وقتی یک رقم بزرگ در تبلیغ برجسته می‌شود و هزینه‌های دیگر در مراحل بعدی آشکار می‌شوند، مصرف‌کننده قدرت مقایسه خود را از دست می‌دهد.

برای مثال، در طرح مورد بررسی اگر مشتری فقط مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار و نرخ ۲۳ درصد را ببیند، ممکن است فکر کند با یک وام نسبتاً مشخص مواجه است، اما وقتی ۲۹ میلیون تومان هزینه اشتراک نیز به آن اضافه می‌شود، مجموع پرداخت به ۲۵۴ میلیون و ۷۸۳ هزار و ۲۰۰ تومان می‌رسد و همین یک عدد برای تصمیم‌گیری کافی است و مشتری باید بداند در پایان قرارداد چه مبلغی پرداخت می‌کند. اگر هزینه اشتراک از اصل اعتبار کسر شود، وضعیت حتی سنگین‌تر خواهد شد، زیرا مشتری عملاً ۲۰۰ میلیون تومان کامل در اختیار نخواهد داشت، اما تعهد بازپرداخت همچنان بر مبنای قرارداد باقی می‌ماند. بنابراین روش دریافت این هزینه نیز اهمیت دارد و باید به شکل دقیق در قرارداد و صفحه پیشنهاد اعتبار اعلام شود. در این بازار، مصرف‌کننده نباید با جمله «قسط ماهانه چقدر است؟» تصمیم بگیرد و پرسش درست این است که «این کالا یا اعتبار در مجموع چقدر برای من تمام می‌شود؟» همین تغییر سؤال، تفاوت میان خرید آگاهانه و خرید هیجانی را رقم می‌زند.

بنادر باید سرعت تجارت را بالا ببرند

نگاه

بیش از ۵۵ میلیون تن کالا از آغاز جنگ دشمن وحشی امریکایی-صهیونی علیه کشورمان، در بنادر شمالی و جنوبی تخلیه و بارگیری شده است و حتماً این حجم از عملیات در دوره جنگ کار بزرگی است و باید به دست‌اندرکاران آن خداقوت گفت، اما مسئله اصلی فقط میزان کالایی نیست که از بنادر عبور کرده است، بلکه سرعت گردش این کالا نیز اهمیت دارد، زیرا محموله وقتی اثر اقتصادی مثبتی دارد که پس از تخلیه در کوتاه‌ترین زمان ممکن ترخیص شود و به مقصد برسد.

همچنین یکی از شاخص‌های کارآمد بودن بنادر این است که کالا در محوطه بندر متوقف نماند و مسیر خود را به سمت بازار و واحدهای تولیدی ادامه دهد، چه آنکه توقف یک محموله به معنای درگیر شدن سرمایه و افزایش هزینه‌های نگهداری و حمل است و در نهایت بخشی از این هزینه‌ها به قیمت تمام‌شده کالا منتقل می‌شود.

از همین‌رو تشکیل قرارگاه تسریع و تسهیل ترخیص کالا شاید قابل پذیرش باشد، زیرا وقتی چند دستگاه در فرایند ترخیص یک محموله دخالت دارند، یک مشکل اداری یا تأخیر در صدور مجوز می‌تواند خروج کالا را عقب بیندازد و ظرفیت بندر را برای پذیرش محموله‌های بعدی محدود کند. بنابراین هماهنگی میان دستگاه‌ها باید به کوتاه شدن زمان توقف کالا منجر شود تا ظرفیت موجود با سرعت بیشتری در چرخه تجارت قرار گیرد.

در واقع در کنار عدد ۵۵ میلیون تن باید مدت زمان توقف کالا نیز بررسی شود، زیرا تخلیه سریع کشتی به تنهایی کافی نیست و اگر کالا پس از تخلیه برای مدت طولانی در انتظار ترخیص یا حمل باقی بماند بخشی از ظرفیت بندر همچنان اشغال خواهد ماند و سرعت عملیات در مرحله نخست اثر خود را در مراحل بعدی از دست خواهد داد.

همین موضوع درباره کانتینرهای متعلق به تجار ایرانی در کشورهای اطراف نیز صدق می‌کند و طبق اطلاعات ارائه شده بخش عمده این کانتینرها وارد کشور شده و انتقال سایر کانتینرها نیز در حال پیگیری است که در صورت تکمیل این فرایند بخشی از ظرفیت حمل دوباره وارد چرخه تجارت خواهد شد و امکان جابه‌جایی محموله‌های جدید افزایش خواهد یافت. با این حال رقم ۵۵ میلیون تن را نباید معادل واردات کشور دانست، زیرا این رقم مجموع تخلیه و بارگیری در بنادر است و بخشی از کالاهای جابه‌جا شده از کشور خارج شده‌اند. بنابراین این آمار بیشتر از آنکه میزان واردات را بیان کند حجم فعالیت بنادر را نشان می‌دهد.

از این منظر آنچه برای ماه‌های آینده اهمیت دارد فقط حفظ حجم عملیات نیست، بلکه باید زمان گردش کالا نیز کاهش پیدا کند و مسیر میان تخلیه کشتی و رسیدن محموله به مقصد کوتاه‌تر شود، زیرا در این صورت سرمایه تجار سریع‌تر آزاد می‌شود، مواد اولیه زودتر به واحدهای تولیدی می‌رسد و ظرفیت بنادر نیز برای پذیرش محموله‌های بعدی زودتر آزاد خواهد شد.

دستور وزیر جهاد درباره سبوس دامداران زمین ماند

خبر

با گذشت بیش از سه‌ماه از دستور وزیر جهاد کشاورزی برای عرضه سبوس در سامانه بازارگاه دولتی، این دستور هنوز اجرا نمی‌شود، دامداران می‌گویند «به مشکل برخورده‌اند».

به گزارش فارس، مدیرعامل اتحادیه سراسری دامداران می‌گوید «دامداران کشور را امریکا و اسرائیلی‌های داخلی محاصره کرده‌اند»، دامداران به جای اینکه سبوس غذای دام را از سیستم دولتی شفاف بخرند، مجبورند از مبادی دیگر گران‌تر بخرند که نتیجه آن گرانی گوشت، تخم‌مرغ و لبنیات شده است.

وزیر جهاد کشاورزی ۹ اردیبهشت امسال در جلسه شورای بازرگانی به معاونت توسعه بازرگانی دستور داد «درباره سبوس در سامانه بازارگاه با کشف قیمت متعارف و عادلانه اقدام کند». این دستور در پی اعتراض‌ها و مکاتبات اتحادیه‌های دامداران صورت گرفت تا بخشی از ۱۸ میلیون تن نهاده وارداتی از محل تولید کشاورزان داخلی جبران شود. «سامانه بازارگاه» پس از چندین مورد فساد در واردات و توزیع نهاده در دوره‌های گذشته و برای شفافیت، ایجاد رقابت و کاهش قیمت و دسترسی عادلانه تولیدکنندگان به نهاده‌ها در وزارت جهاد کشاورزی راه‌اندازی شد. اما به‌رغم دستور وزیر ۱/۵ میلیون تن سبوس (۱۲ درصد خوراک سالانه دام و طیور کشور) خارج از این سامانه توزیع می‌شود و به سه برابر یعنی ۳۰ هزار تومان در هر کیلو عرضه می‌شود.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تنکابن

نظر به مواد ۱ و ۱۳ قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب مرحله ۱۳۹۰/۰۹/۲۰املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی تنکابن مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در قریه برسه پلاک ۲۱۶ اصلی بخش ۳

۷۴۵ فرعی ثریا صدخرد به کدملی ۲۲۱۹۷۹۹۸۴۰ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین مشتمل بر بنای احداثی به مساحت ۳۵۶.۴۱ متر مربع انتقالی از مالک رسمی؛ لذا به موجب ماده ۳ تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهر منتشر و در روستا علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای میات پس از تنظیم اظهار نامه جاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقهٔ تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
شناسه آگهی ۲۲۵۱۵۳۲
صفر رضوانی گیل کلائی - معاون مدیر کل و ثبت اسناد و املاک تنکابن

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تنکابن

نظر به مواد ۱ و ۱۳ قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب مرحله ۱۳۹۰/۰۹/۲۰املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی تنکابن مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد: املاک متقاضیان واقع در قریه پسکلایه کوچک پلاک ۱ اصلی بخش ۳

۵۵۱۴ فرعی ضیاء کاظم تاش به کد ملی ۲۲۱۸۴۵۹۱۶۷ نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۶۰۵ متر مربع انتقالی از مالک رسمی؛ لذا به موجب ماده ۳ تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهر منتشر و در روستا علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم درخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی با رای میات پس از تنظیم اظهار نامه جاوی تحدید حدود مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود بصورت همزمان به اطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقهٔ تحدید حدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۹
شناسه آگهی ۲۲۵۱۵۱۳
صفر رضوانی گیل کلائی - معاون مدیر کل و سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن